مطالعات محیطی هفت حصار شماره سی‌وهفتم/ سال دهم/ پاییز ۱۴۰۰
صفحات ۵۰-۳۵

خودسازماندهی شهری در عمل: شناسایی الگویی برای درک اقدامات جمعی در محلات شهر سبزوار[۱]

فاطمه صفار سبزوار*، مریم دانشور**، تکتم حنایی***، سید مسلم سیدالحسینی****

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۱۰/۳۰
تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۵/۱۱

چکیده

مطالعات نشان می‌دهد، مفهوم خودسازماندهی شهری می‌تواند راهی را برای تحقق مشارکت واقعی شهروندان پیش‌روی محققان قرار دهد. با وجود اهمیت این موضوع، به نظر می‌رسد خلأ شناختی عمده‌ای در این زمینه در کشور وجود دارد. با توجه به ماهیت زمینه‌گرای خودسازماندهی شهری، برای بهره‌گیری از این مفهوم در توسعه‌ی محلات کشور باید ابتدا شناختی از مفاهیم و عناصر خاص این پدیده در داخل انجام شود. هدف پژوهش حاضر شناسایی مفاهیم و مقولات خودسازماندهی‌شهری در محلات شهر سبزوار و بررسی چگونگی ارتباط بین این مفاهیم و مقولات می‌باشد. برای دستیابی به هدف مذکور در این پژوهش از روش نظریه‌ی داده بنیاد چندگانه استفاده شده است و طی فرآیندی رفت و برگشتی به مرور متون نظری موجود و مصاحبه با ۱۸ نفر از کنشگران فرآیندهای خودسازماندهی شهری در سبزوار، مسئولان و متخصصان مسائل شهری پرداخته شد. طی فرآیند پژوهش ۴۲۳ کد اولیه، ۶۸ مفهوم و ۲۲ مقوله شناسایی‌گردید. از میان مقولات بدست‌آمده جریان ثابت انرژی به عنوان مقوله‌ی محوری معرفی‌شده و الگوی پیشنهادی با تأکید بر شرایط علّی، زمینه‌ای، مداخله‌گر و راهبردها و پیامدها ترسیم و ارائه گردید. مطابق با یافته‌های پژوهش، جریان ارتباطات، تعاملات و تبادل ایده‌ها، تجربیات و اطلاعات در میان کنشگران مختلف فرآیندهای خودسازماندهی شهری اعم از شهروندان، افراد کلیدی و مسئولان نهادهای رسمی، اساس فرآیندهای خودسازماندهی شهری مبتنی بر جامعه را تشکیل می‌دهد. از این رو تلاش در جهت برقراری و افزایش جریان مذکور می‌تواند بسترهای لازم برای شکل‌گیری فرآیندهای خودسازماندهی شهری را فراهم آورد. برقراری و تداوم جریان اطلاعات و تبادل تجربیات در میان افراد سبب ایجاد علایق و منافع مشترک و نیز افزایش بینش و آگاهی شهروندان می‌گردد. به منظور دستیابی به اهداف مشترک شهروندان، مذاکرات و توافقاتی درون اجتماع محلی و بین افراد گروه خودسازمانده یا شهروندان دخیل در فرآیندهای خودسازماندهی و نیز مذاکرات و توافقاتی بیرون از اجتماع محلی و میان کنشگران محلی و نهادهای دولتی رخ می‌دهد. در خلال این مذاکرات، برنامه‌ها و پروژه‌های موردنیاز ساکنان تعریف شده و در نهایت، بودجه‌ی مورد نیاز از کانال‌های مختلف از قبیل آوردهی مردمی، بودجه‌های اختصاص‌یافته محلی و تبدیل پتانسیل‌های مختلف به یکدیگر تأمین می‌گردد. از سوی دیگر، ساختارها و چارچوب‌های قانونی تسهیل‌کننده و مکانیسم‌های مطلوب حاکمیتی و مدیریت شهری در سطوح کلان و محلی از قبیل وجود سیستم‌های مدیریت شهری چندسطحی و تدوین قوانین انعطاف‌پذیر و قابل تطبیق با شرایط محلی، بسترهایی هستند که اثرات مثبت و قابل توجهی در ایجاد و گسترش فرآیندهای خودسازماندهی شهری برجای می‌گذارند. مطابق با یافته‌های این پژوهش، فرآیندهای خودسازماندهی شهری، سبب ارتقاء ابعاد عملکردی، معنایی و زیست‌محیطی می‌گردد و دستاوردهای اقتصادی و مداخلات اجتماعی و رفتار محور را نیز به همراه دارد.

واژگان کلیدی

خودسازماندهی شهری، سبزوار، مشارکت، نظریه‌ی داده بنیاد چندگانه

۱- این مقاله برگرفته از رساله‌ی دکتری نویسنده اول با عنوان "تدوین الگوی مشارکت شهروندان در توسعه‌ی محلات با بهره‌گیری از ظرفیت خودسازماندهی شهری" می‌باشد که به راهنمایی نویسندگان دوم و سوم و با مشاوره‌ی نویسنده چهارم و تحت حمایت صندوق پژوهشگران و فناوران کشور (INSF: Iran National Science Foundation) در گروه شهرسازی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد در حال انجام است.

* دانشجوی دکترای شهرسازی، گروه شهرسازی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران. f.saffar.s@gmail.com
** استادیار شهرسازی، گروه شهرسازی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران. (نویسنده مسئول) m.daneshvar@srbiau.ac.ir
*** استادیار شهرسازی، گروه شهرسازی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران. t.hanaee@mshdiau.ac.ir
**** دانشیار شهرسازی، گروه شهرسازی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران. seyedolhosseini5930@mshdiau.ac.ir

©: IAUH
ISSN: 2322-5602

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-19]
[DOR: 20.1001.1.23225602.1400.10.37.5.2]
[DOI: 10.52547/hafthesar.10.37.5]

مقدمه

در جهان امروز، وسعت ابعاد و تغییر در ماهیت مسائل شهری و پیچیدگی این مسائل، چالش‌های جدیدی را پیش‌روی مدیران و برنامه‌ریزان شهری قرار داده است. به منظور مواجهه با این چالش‌ها، برنامه‌ریزی و مدیریت شهرها، بیش از هر زمان دیگری به سطوح پایین‌تر و ابعاد ملموس زندگی شهری توجه و تأکید می‌نماید (Friedman, 1993: 484). در این راستا، محله‌گرایی و سیاست گذاری محلی از جمله اصلی‌ترین رویکردها برای مقابله با مشکلات شهرها و برخی از محله های شهری به طور خاص می‌باشد (قادری و همکاران، ۱۳۹۵: ۵۸). در این رویکرد مشارکت واقعی مردم هدف قرار گرفته و شعار «برنامه ریزی بوسیله مردم نه برای مردم» آرمان این نگرش در برنامه ریزی شهری است (حاجی پور، ۱۳۸۵: ۴۱ و۴۴). با وجود اهمیت این موضوع، شواهد بسیاری حاکی از آن است که فرآیندهای مشارکتی، نتایج ناامیدکننده‌ای به دنبال داشته است (Boonstra & Boelens, 2011: 99)؛ (نوری‌کرمانی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۸۴). یکی از مهم‌ترین عواملی که عدم موفقیت کامل فرآیندهای مشارکتی را سبب شده، نگرش به این موضوع به عنوان یک مأموریت در دولتها می‌باشد. محققان عقیده دارند که باز شدن گرهِ مشارکت شهروندان، به دور شدن از دیدگاه برنامه ریزی مشارکتی به عنوان مسئولیتی که باید رخ دهد، نیاز دارد (Hasanov & Beaumont, 2016: 3). به این معنا که برنامه‌های مشارکتی همیشه توسط برنامه‌ریزان و مقامات دولتی تنظیم می‌گردد. اگرچه این امر لزوماً اشتباه نیست، اما تجربه نشان داده است که فرآیند مذکور، برای رسیدن به اهداف برنامه‌های مشارکتی از کارایی کافی برخوردار نیست و حتی در برخی موارد، مغایر با آنها عمل می‌نماید. به عقیده‌ی پژوهشگران، مفهوم خودسازماندهی[1] می‌تواند راهی برای خروج از این مشکل فراهم نماید. آنها معتقدند که خوسازماندهی شهری[2] می‌تواند به اهداف مکانی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی مشارکت شهروندان کمک نماید (Boonstra & Boelens, 2011: 116-117). درحقیقت، خودسازماندهی شهری به عنوان ابزاری برای برنامه‌ریزی می‌تواند قسمتی از فرآیند خصوصی‌سازی و تفویض مسئولیت‌هایی که بر عهده دولتهاست را بر عهده بگیرد (Eizenberg, 2019: 53).

مطالعات متعددی در مورد خودسازماندهی شهری انجام گرفته که به توصیف این فرآیند و برخی عوامل دخیل در آن پرداخته‌اند، اما مطالعات مذکور عمدتاً در کشورهای توسعه یافته‌ای انجام شده که از سابقه‌ی برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری دموکراتیک بالایی برخوردارند و بررسی این موضوع در کشورهای درحال توسعه که سابقه‌ی کمتری در تصمیم‌گیری پایین به بالا دارند، مغفول مانده است. به نظر می‌رسد در کشور ایران نیز خلاء شناختی عمده‌ای در زمینه‌ی خودسازماندهی شهری وجود دارد که موجب شده، این پدیده در داخل تقریباً ناشناخته باقی بماند و استفاده از این قابلیت عظیم در سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، مدیریت و توسعه محلات کشور مغفول واقع گردد. این در حالی است که مشارکت بالای ایرانیان در عرصه‌های غیررسمی (پیران، ۱۳۸۳) و وجود سرمایه‌های اجتماعی فراوان در محلات کشور (زنگنه و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۲۵)؛ (پورمحمدی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۷)؛ (بزی و حیدری، ۱۳۹۵: ۱۵۵) نشان‌دهنده وجود ظرفیت‌هایی است که می‌توان در زمینه توسعه مناطق و محلات شهری نیز از آنها بهره برد. وجود بیش از چهارده هزار سمن فعال در حوزه های مختلف فعالیت در کشور نیز دلیل دیگری بر این مدعاست (پایگاه اطلاع‌رسانی دولت، ۲۵ مرداد ۱۳۹۷). از این رو مسأله اصلی این پژوهش عدم شناخت و بهره‌گیری از ظرفیت خودسازماندهی شهری در توسعه محلات کشور می‌باشد. از آنجا که خودسازماندهی شهری نه در محتوا، نه در فرآیند و نه مکان، تجویزی نیست و جهت بهره‌گیری از این مفهوم، ترجمه و تفسیر ویژگی‌های خاص هر مکان و فعالیت‌های جمعی ناشی از هر جامعه لازم و ضروری است (Eizenberg, 2019: 53)، بنابراین، برای بهره‌گیری از آن در توسعه‌ی محلات کشور بایستی ابتدا شناختی از مفاهیم و عناصر خاص این پدیده انجام شود.

نمونه مورد مطالعه در این پژوهش نیز شهر سبزوار می‌باشد. از آنجا که شهرهای کوچک و میانی از پیوندهای اجتماعی محکم‌تری نسبت به شهرهای بزرگ برخوردارند، بنابراین به نظر می‌رسد جهت پژوهش حاضر انتخاب یک شهر میانی مانند سبزوار به عنوان نمونه مورد مطالعه مناسب‌تر می‌باشند. سبزوار با جمعیتی بالغ بر ۲۴۰ هزار نفر، حدود ۴۰۰۰ هکتار وسعت دارد و سی و چهارمین شهر پرجمعیت کشور محسوب می‌گردد (پرتال شهرداری سبزوار، ۲۵ اسفند ۱۳۹۵). این شهر از سرمایه‌های اجتماعی، اعتماد متقابل و تعامل ساکنان در محلات مختلف (زنگنه و همکاران، ۱۳۹۳) و سابقه‌ای مطلوب از نظر مشارکت مردم در عرصه‌های غیررسمی برخوردار است، به نحوی که طبق بررسی‌های انجام گرفته توسط محققینِ این پژوهش، حدود ۴۰ نهاد غیررسمی و خودجوش در این شهر نسبتاً کوچک وجود دارد که صورت رسمی نداشته و به عنوان سمن (سازمان مردم نهاد) ثبت نشده‌اند. اگر تعداد ۱۲۸ سمن ثبت شده را نیز در نظر بگیریم (خبرگزاری ایرنا، ۲۳ مرداد ۱۳۹۸) قریبِ ۱۶۸ نهاد داوطلبانه، مردمی و خودجوش در سبزوار وجود دارد که حاکی از وجود ظرفیت‌های عظیمِ پنهانی است که می‌توان از آنها در بخش‌های مختلف بهره برد. بر این اساس، در پژوهش حاضر تلاش می‌گردد که مفاهیم و مقولات خودسازماندهی شهری در محلات شهر سبزوار

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-19]
[DOR: 20.1001.1.23225602.1400.10.37.5.2]
[DOI: 10.52547/hafthesar.10.37.5]

شناسایی شده و چگونگی ارتباط بین آنها نیز مورد بررسی قرارگیرد. بر این اساس سؤالات پژوهش به صورت زیر مطرح می‌گردند: مفاهیم و مقولات خودسازماندهی شهری در محلات شهر سبزوار چیست؟ و ارتباط بین مفاهیم و مقولات خودسازماندهی شهری در محلات شهر سبزوار چگونه است؟

مبانی نظری و پیشینه‌ی پژوهش

با پذیرش شهر به مثابه یک سیستم پیچیده، خودسازماندهی‌شهری به عنوان یکی از شاخص‌های اساسی آن نمود می‌یابد. شهرها سیستم‌های پیچیده‌ای هستند که ویژگی‌های خودسازماندهی، پویایی و ساختارهای چندسطحی غیرخطی را در خود دارند. این ویژگی ها سبب می‌شود که مدیریت شهر تبدیل به یک چالش اساسی گردد، اما در عین حال همین ویژگی‌ها، طیف گسترده‌ای از گزینه‌ها برای اداره شهرها را ارائه می‌نماید (Cevallos, 2014: 6). مروری بر مطالعات پیشین نشان می‌دهد که پژوهش‌های مختلف در زمینه‌ی خودسازماندهی‌شهری بر پایه-ی نگرش‌های هستی‌شناسانه‌ی متفاوتی، به این مفهوم نگریسته‌اند. تعدادی از مطالعات به مفهوم خودسازماندهی شهری به عنوان یک موضوع خارج از محقق اشاره دارند. در این دیدگاه که نشأت گرفته از نظریات پیچیدگی می‌باشد، تعاملات درون سیستمِ خودسازمانده، بدون اقدام ذهنی صورت می‌گیرد. نگرش فوق، دیدگاه "خودسازماندهی شهری فضایی- اجتماعی" را تشکیل می‌دهد. با تکیه بر این دیدگاه، هاکن و پورچوگالی[۳] (۱۹۹۵)، باروس و سوبریرا[۴] (۲۰۰۲)، هوآ [۵] (۲۰۱۲)، پارتانن[۶] (۲۰۱۵) و لوی و همکاران[۷] (۲۰۱۶)، از مفهوم خودسازماندهی در رویکردهای مدلسازی و به ویژه در موضوعاتی مانند جغرافیای اقتصادی و رشد شهری استفاده کرده‌اند.

از طرف دیگر برخی پژوهش‌ها به مفهوم خودسازماندهی‌شهری به صورت موضوعی آمیخته با محقق می‌نگرند و معتقدند که فرآیندهای مذکور حاصل فعالیت‌های آگاهانه‌ی اجتماعی می‌باشند. این نوع نگرش را می‌توان "خودسازماندهی مبتنی بر جامعه" نامید. مطالعات بونسترا و بولنس[۸] (۲۰۱۱)، حسن‌اف و بومانت[۹] (۲۰۱۶)، نانبوگ و کورا[۱۰] (۲۰۱۶)، اتکینسون و دیگران[۱۱] (۲۰۱۷) و حسن‌اف و زادما[۱۲] (۲۰۱۸) در این گروه جای می‌گیرند. مفهوم خودسازماندهی شهری در دیدگاه دوم به صورت ابتکارات شهروندی از پایین به بالا و نوآوری‌های اجتماعی گسترش یافته است. مطابق این نگرش، خودسازماندهی شهری به مداخلات فضایی اشاره دارد که از طریق جامعه مدنی و بر مبنای شبکه های شهروندان و خارج از کنترل دولتی رخ می‌دهد. این اقدامات توسط گروهی از افراد که منافع یا نیازهای مشترکی دارند، به عنوان راهی برای حل مسائل و یا واکنش به شرایط محرومیت اجتماعی به طور خود به خودی سازماندهی شده‌است (Boonstra & Boelens, 2011: 99)؛ (Korah et al, 2017: 366). منشأ مفهوم خودسازماندهی‌شهری مبتنی بر جامعه را می‌توان در نظریه‌ی کنشگران[۱۳] لاتور[۱۴] جستجو نمود. این نظریه، جامعه‌ای از کنشگران انسانی و غیرانسانی را تبیین می‌کند که به صورت مساوی در شبکه پیوند خورده و برای رسیدن به اهداف مشترک خاصی تلاش می‌نمایند. فعل و کنش عاملان و شبکه‌ها و تعامل میان نهادهای اجتماعی، افراد، گروه‌ها و علوم و فنون از مباحث قابل تأمل در نظریه شبکه کنشگران می‌باشد (Williams-Jones & Graham, 2003: 273). مفهوم جامعه (یا هر جمع و اجتماع دیگری) با مفهوم شبکه جایگزین می‌شود و این شبکه‌ها بایستی ردیابی شود (Latour, 2005: 308). بر اساس نظریه فوق، محققان عقیده دارند تجزیه و تحلیل بازیگران، شبکه‌ها و نهادهای درگیر در فرآیند خودسازماندهی به روشن شدن این شبکه‌ها کمک کرده و برای مشارکت آنها در سیاست‌گذاری شهری فرصت‌های جدیدی را پدید می‌آورد (Boonstraa & Boelensb, 2011: 113). در حقیقت، خودسازماندهی شهری مبتنی بر جامعه موضوع مهمی در زمینه‌ی برنامه‌ریزی مشارکتی معاصر محسوب می‌گردد. واگنر[۱۵] عقیده دارد که برنامه‌ریزی مشارکتی را می‌توان به عنوان مجموع سخت افزار و نرم افزار در نظر گرفت. در این ایده، چارچوب‌های نهادی، سخت افزار و تجربه‌ی شهروندانِ عادی نرم افزار را تشکیل می‌دهد. به عقیده‌ی او خودسازماندهی شهری در دیدگاه دوم را می‌توان یک دارایی مهم در فهرست نرم افزاری مشارکت شهروندان محسوب نمود (Hasanov & Beaumont, 2016: 2-4). پژوهش‌های انجام گرفته نشان می‌دهد که تعامل چهره به چهره و هویت و درک مشترک شهروندان از چالش‌های مشترک موجود در یک جامعه، افزایش مشارکت افراد برای دستیابی به یک سری اهداف خاص را به همراه دارد. از سوی دیگر، دانش و تجربیات به دست آمده از طریق تعامل این جامعه با محیط خارجی خود، در توسعه و تثبیت ابتکارات آنها نقش مؤثری بر عهده دارد (Nunbogu & Korah, 2016: 15)؛ (Atkinson et al, 2017: 5). در دیدگاه اخیر، مشارکت شهروندان به عنوان فرایندی مبتنی بر هوش جمعی فهم می‌گردد که برای اولین بار در ذهن افراد رخ داده و سپس در عملکرد اجتماعی فردی یا جمعی منعکس گردیده است (Hasanov & Beaumont, 2016: 2-4). بایستی به این نکته توجه داشت که اگرچه مطابق با نظریات موجود، ماهیت فرآیندهای خودسازماندهی شهری بر پایه‌ی تعاملات محلی و به دور از دخالت نیروهای خارجی مانند دولت قرار دارد، اما جهت مطالعه این فرآیندها و بهره‌گیری از آنها در فرآیندهای برنامه‌ریزی و توسعه، توجه به نقش عوامل محیطی و خارجی نیز ضروری به

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-19]
[DOR: 20.1001.1.23225602.1400.10.37.5.2]
[DOI: 10.52547/hafthesar.10.37.5]

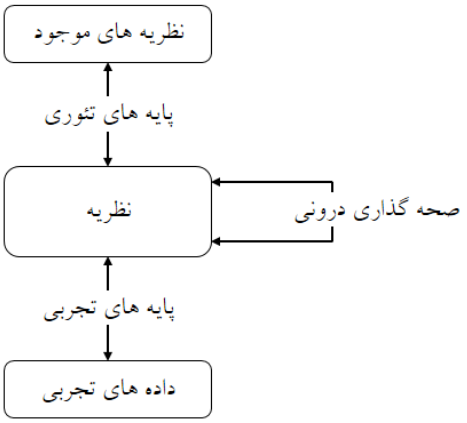
نظر می‌رسد. چرا که این فرآیندها در یک زمینه و محیط واقعی شهری رخ داده و در خلاء شکل نمی‌گیرند (صفارسبزوار و همکاران، ۱۳۹۸: ۵۵)؛ (Nederhand et al, 2015: 17). در پژوهش پیش‌رو، خودسازماندهی شهری در دیدگاه دوم مورد نظر می‌باشد.

محققان عقیده دارند فرآیندهای پایین به بالای خودسازماندهی شهری می‌توانند به فرآیندهای رسمی و بالا به پایین برنامه ریزی متصل شوند و بر کیفیت زندگی و فعالیت‌های اجتماعی شهروندان و حتی بر شکل فضاهای شهری تأثیرگذار باشند. اگرچه فقدان قدرت مشارکت‌کنندگان، عدم توجه به دستورالعمل‌های شهری و وجود ارتباطات ضعیف با سطوح تصمیم‌گیری، هنوز چالش‌های بزرگی در این مسیر محسوب می‌گردند (Horelli et al, 2015: 299)؛ (Meerkerk & et al, 2013: 1650). وارد نمودن فرآیندهای خودسازماندهی در تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری‌ها مستلزم درک مسیرهای مختلفی است که از طریق آنها می‌توان اقدامات جمعی محلی را به مشارکت فعال و فراگیر بین شهروندان، سیاستگذاران، دانشگاهیان، مشاغل مختلف و کل جامعه منتهی‌نمود (Hasanov & Zuidema, 2018).

روش تحقیق

پژوهش حاضر از لحاظ هدف در دسته‌ی کاربردی- توسعه‌ای قرار می‌گیرد. در این پژوهش برای پاسخگویی به سؤالات تحقیق از روش نظریه داده بنیاد چندگانه[۱۶] یا تئوری داده بنیاد چندپایه (MGT) که گونه‌ای از روش تحقیق کیفی می‌باشد، استفاده شده است. چرا که مسئله تحقیق، مسئله‌ای چند وجهی، پیچیده و فرآیندی است و نظریه‌ی داده بنیاد چندپایه می‌تواند روش مناسبی در درک مجموعه شرایط و عوامل مؤثر باشد.

روش تئوری داده بنیاد چند پایه، بر پایه‌ی روش تئوری داده بنیاد (گراندد تئوری/ GT) و در جهت رفع برخی انتقادات وارد بر آن بنا شده است. یکی از مهم‌ترین انتقادات مذکور، خطر آشکار انزوای دانش در اثر عدم استفاده از نظریات موجود در تئوری داده بنیاد است. بر همین مبنا، روش نظریه داده بنیاد چندگانه به عنوان رویکردی جایگزین مطرح شده است. این روش شامل سه نوع فرایند زمینه‌ای "پایه‌های تجربی"، "پایه‌های نظری" و "زمینه‌های درونی" می‌باشد (Goldkuhl & Cronholm, 2010: 188). همانگونه که شکل شماره ۱ نشان می‌دهد، در این روش، نه تنها از پایه‌گذاری تجربی برای نظریه‌ی درحال ظهور استفاده می‌شود، بلکه از انواع مختلف دانش نیز برای تأیید نظریه استفاده می‌گردد.



تصویر ۱- سه منبع پایه در مولتی گراندد (منبع: Goldkuhl & Cronholm, 2010: 193)

فرآیندهای کدگذاری در نظریه داده بنیاد چندگانه در قسمت‌های زیادی با فرآیندهای کدگذاری در روش اشتراوس و کوربین مطابقت دارد. "کدگذاری استقرایی" (درMGT) معادل با "کدگذاری آزاد" (در GT) می‌باشد. در هر دو روش بر ذهن باز در تجزیه و تحلیل داده‌ها تأکید می‌گردد. مرحله‌ی بعد از کدگذاری استقرایی در MGT ، "پالایش مفهومی" است، که این مرحله در GT وجود ندارد. مرحله‌ی پالایش مفهومی به منظور شفاف‌سازی مفاهیم صورت می‌پذیرد. با توجه به اینکه مفاهیم در مراحل مختلف MGT ظهور می‌یابند، ارزیابی مستمر آنها طی فرآیند تکوین نظریه، موجب تضمین اعتبار نظریه‌ی در حال ظهور خواهد شد. پالایش مفهومی بوسیله‌ی طرح سوالاتی در باره‌ی مفاهیم و مقوله‌های شناسایی شده انجام می‌پذیرد. این سؤالات شامل "چیستی پدیده"، "جایگاه هستی‌شناسی پدیده"، "زمینه و سایر پدیده‌های مرتبط با پدیده "، " اهداف و کارکرد پدیده"، "منشاء ظهور پدیده" و "بررسی معنای زبان شناختی پدیده" می‌باشند (Goldkuhl & Cronholm, 2010: 195).

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-19]
[DOR: 20.1001.1.23225602.1400.10.37.5.2]
[DOI: 10.52547/hafthesar.10.37.5]

"کدگذاری الگویی" (یا ساختارهای طبقه‌بندی شده) در MGT همان کدگذاری محوری (در GT) است. با این تفاوت که در MGT بر وجود تنها یک مقوله‌ی محوری تأکید نشده است. شروط انتخاب مقوله‌ی محوری عبارتند از: تکثر تأکیدات در مصاحبه‌های صورت گرفته و مطالعه-ی اسناد، ظهور مکرر آن در موارد، ارتباط منطقی و محکم با مقوله‌های دیگر و انتزاعی بودن به منظور حفظ قابلیت استفاده در دیگر عرصه‌های خرد واقعی (دانشور و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۶۱). "غنی‌سازی نظری" که به نوعی مرحله پایانی در روش تئوری داده بنیاد چندپایه می‌باشد، بایستی همراه با فرآیندهای سه گانه تطبیق نظری، ارزیابی انسجام نظری و اعتبار تجربی انجام شده و از این طریق نظریه تکوین یابد (Lind & Goldkuhl, 2006: 74). در جدول ۱ ساختار و مراحل مختلف نظریه داده‌بنیاد و نظریه داده بنیاد چندگانه مقایسه شده است.

جدول ۱- مقایسه ساختار و مراحل مختلف GT و MGT منبع: (Goldkuhl & Cronholm, 2010: 200)

نظریه داده‌بنیاد (GT)	نظریه داده بنیاد چندگانه (MGT)	مقایسه
-	بازتاب علاقه پژوهش و بازنگری آن	به صراحت در GT موجود نیست.
کدگذاری باز	کدگذاری استقرایی	روش‌ها مشابه
-	پالایش مفهومی	در GT در این مورد تصریحی نشده است.
کدگذاری محوری	کدگذاری الگویی	روش‌ها مشابه
کدگذاری انتخابی	غنی‌سازی نظریه (خلاصه‌سازی نظریه)	در نظریه داده بنیاد چندگانه تأکید به وجود تنها یک مقوله اصلی نیست.
-	تطبیق نظری	در GT در این مورد تصریحی نشده است.
-	اعتبارسنجی صریح تجربی	در GT در این مورد تصریحی نشده است.
-	ارزیابی انسجام نظری	در GT در این مورد تصریحی نشده است.

در روش نظریه‌ی داده بنیاد چندپایه مفاهیم نهایی بدست‌آمده حاصل تعامل مستمر و فرآیندی رفت و برگشتی میان دو نوع زمینه‌یابی نظری و تجربی می‌باشد بر این اساس، در پژوهش حاضر، به صورت همزمان به زمینه‌یابی نظری و زمینه‌یابی تجربی پرداخته شد. در گام اول، در راستای زمینه‌یابی نظری و پس از تعیین سؤالات اولیه تحقیق، کلیدواژه‌ی خودسازماندهی شهری، به مثابه معیار ورود به مطالعات تعیین شده و بر این اساس زمینه‌یابی نظری انجام گرفت. بدین منظور، کلیه‌ی مقالات علمی فارسی و انگلیسی منتشر شده در زمینه‌ی خودسازماندهی شهری، حد فاصل ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۰ بررسی شده و پس از غربال‌گری تعداد ۱۵ مقاله مورد کدگذاری قرار گرفت. برای دستیابی به این مقالات از پایگاه‌های اطلاعاتی Sid، Magiran، Springer، Google Scholar، Wiley، Science Direct و Taylor & Francis استفاده شد. در این مرحله تعداد ۱۳۹ کد اولیه از ادبیات نظری موجود احصاء گردید. در جدول ۲ مشخصات مقالات مورد استفاده و تعداد کدهای مستخرج از هر مقاله ارائه شده است.

جدول ۲- مشخصات مقالات مورد استفاده و تعداد کدهای مستخرج

	عنوان مقاله	نویسنده/ نویسندگان	سال انتشار	عنوان نشریه/ کنفرانس	تعداد کدها
۱	Urban neighborhood communities organised online – A new form of self-organization in the Polish city?	Kotus & Hławka	2010	Cities	۶
۲	Self-Organization in Urban Regeneration: A Two-Case Comparative Research.	Meerkerk, Boonstra, & Edelenbos	2013	European Planning Studies	۲۰
۳	Self-Organization and the Role of Government: How and why does self-organization evolve in the shadow of hierarchy?	Nederhand, Bekkers, & Voorberg	2015	Public Management Review	۸
۴	Using Social Media and Mobile Technologies to Foster Engagement and Self-Organization in Participatory Urban Planning and Neighbourhood Governance.	Kleinhans, Ham, & Cowley	2015	Planning Practice & Research	۶

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-19]
[DOR: 20.1001.1.23225602.1400.10.37.5.2]
[DOI: 10.52547/hafthesar.10.37.5]

	عنوان مقاله	نویسنده/ نویسندگان	سال انتشار	عنوان نشریه/ کنفرانس	تعداد کدها
۵	When Self-Organization Intersects with Urban Planning: Two Cases from Helsinki.	Horelli, Sulonen, Wallin, & Botero	2015	Planning, Practice & Research	۱۰
۶	Urban Land Changes as the Interaction between Self-Organization and Institutions.	Zhang, De, & Van	2015	Planning, Practice & Research	۱۳
۷	The value of collective intentionality for understanding urban self-organization.	Hasanov & Beaumont	2016	Urban Research & Practice	۷
۸	Self-organisation in urban spatial planning: Evidence from the Greater Accra Metropolitan Area, Ghana.	Nunbogu & Korah	2016	Urban Research & Practice	۱۰
۹	Civic initiatives in urban development: self-governance versus self-organization in planning practice	Rauws	2016	Town Planning Review (TPR)	۵
۱۰	Experimenting in Urban Self-organization. Framework-rules and Emerging Orders in Oosterwold (Almere, The Netherlands)	Cozzolino, Buttelaar, Moroni, & Sorel	2017	COSMOS + TAXIS	۱۷
۱۱	Spatial Planning in Ghana: Exploring the Contradictions.	Korah, Cobbinah, & Nunbogu	2017	Planning Practice & Research	۹
۱۲	Making the case for self-organization: understanding how communities make sense of sustainability & climate change through collective action.	Atkinson, Dörfler, Hasanov, Rothfu, & Smith	2017	Sustainable Society	۷
۱۳	The transformative power of self-organization: Towards a conceptual framework for understanding local energy initiatives in The Netherlands.	Hasanov & Zuidema	2018	Energy Research & Social Science	۷
۱۴	Patterns of self-organization in the context of urban planning: Reconsidering venues of participation.	Eizenberg	2019	Planning Theory	۹
۱۵	Framework rules for self-organizing cities: Introduction	Rauws, Cozzolino, & Moroni	2020	Urban Analytics and City Science	۵

زمینه‌یابی تجربی در پژوهش حاضر از طریق مصاحبه‌ی نیمه‌ساختاریافته صورت پذیرفت. با هدف افزایش کیفیت داده‌های حاصل از مصاحبه، در این پژوهش، پروتکل مصاحبه از طریق چارچوب پالایش پروتکل مصاحبه (IPR[۱۷]) تدوین و پالایش گردید.

کنشگران دخیل در فرآیندهای خودسازماندهی شهری در شهر سبزوار شامل شهروندان و گروه‌های خودسازمانده، مسئولان مدیریت شهری و همچنین متخصصان مسائل شهری جامعه‌ی آماری این پژوهش را تشکیل داده‌اند. که برای انتخاب نمونه آماری از ترکیب روشهای هدفمند قضاوتی و گلوله برفی که روشهای غیراحتمالی هستند، استفاده شده است. به این صورت که با توجه به آشنایی محقق با برخی از افراد دخیل در فرآیندهای خودسازماندهی شهری، از آنها خواسته شد که در صورت امکان افراد دیگری را که سابقه همکاری و آشنایی با فرآیندهای خودسازماندهی شهری دارند را معرفی نمایند. کفایت نمونه‌گیری با روش نمونه‌گیری نظری محقق شده است. بدین معنا که این فرآیند تا آنجایی ادامه پیدا کرد که اشباع نظری حاصل شده و مقوله‌ها اشباع شدند. پژوهش حاضر در شانزدهمین مصاحبه به اشباع نظری رسید که به جهت اطمینان، این روند تا هجدهمین مصاحبه ادامه یافت. ۱۰ نفر از مصاحبه‌شوندگان شهروندانی بودند که در فرآیندهای خودسازماندهی شهری به صورت مستقیم مشارکت داشتند. ۵ نفر از مسئولین مدیریت شهری سبزوار بوده و ۳ نفر نیز از متخصصین حوزه‌ی مسائل شهری بودند. ۱۴ نفر از مصاحبه‌شوندگان مرد و ۴ نفر زن بودند. ۹ نفر از مشارکت کنندگان در مصاحبه دارای مدرک دیپلم یا کارشناسی بوده و ۹ نفر دیگر مدرک تحصیلی کارشناسی ارشد یا دکتری داشتند. بعد از انجام هر مصاحبه، به منظور جلوگیری از فاصله گرفتن ذهن محقق با شرایط

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-19]
[DOR: 20.1001.1.23225602.1400.10.37.5.2]
[DOI: 10.52547/hafthesar.10.37.5]

مصاحبه، بلافاصله روند پیاده‌سازی آن صورت گرفت و سپس، مراحل کدگذاری استقرایی، پالایش مفهومی، کدگذاری الگـویی و غنـی‌سـازی نظریه صورت پذیرفت که یافته‌های حاصل از این مراحل در بخش یافته‌های پژوهش به صورت مفصل و به تفکیک مورد بررسی قرار می‌گیرند.
بستر پژوهش شهر سبزوار است که از سابقه‌ی نسبتاً مناسبی در مشارکت‌های غیررسمی برخوردار می‌باشد. به نحوی که بسیاری از مهم‌ترین پروژه‌های زیربنایی این شهر با مشارکت صد درصدی مردم اجرا شده است که از آن میان می‌توان به احداث دانشگاه حکیم سبزواری، احداث فرودگاه و پیگیری احداث راه‌آهن سبزوار اشاره کرد. مطابق بررسی‌های صورت گرفته در پژوهش حاضر، انواع مختلفی از گروه‌های خودسازمانده شهری در سبزوار مشغول فعالیت هستند که می‌توان آنها را بر اساس دامنه‌ی فعالیتشان به سه دسته تقسیم کرد. دسته‌ی اول گروه‌هایی هستند که دامنه‌ی فعالیت آنها به یک محله محدود می‌گردد. دسته‌ی دوم شامل گروه‌هایی است که دامنه‌ی فعالیت آنها چند محله و یا قسمتی از شهر می‌باشد و دسته‌ی سوم گروهی است که دامنه‌ی فعالیتش کل محلات شهر را در برمی‌گیرد. با توجه به عدم تمایل مصاحبه‌شوندگان از ذکر نام گروه‌ها و افراد مصاحبه شونده در این پژوهش خودداری می‌گردد.

یافته‌های پژوهش

بر طبق روش تئوری داده بنیاد چندپایه در این پژوهش، مفاهیم حاصل، به مرور زمان و همزمان با مراحل مختلف و طی فرآیندهای رفت و برگشتی بسیار ظهور یافته و به طور مستمر مورد ارزیابی و بازبینی قرار گرفتند. در ادامه یافته‌های پژوهش حاضر به تفکیکِ مراحل مختلف تشریح می‌گردد.

کدگذاری استقرایی: در مرحله‌ی کدگذاری استقرایی در پژوهش پیش‌رو، تحلیل سطر به سطر و معاینه‌ی دقیق و عبارت به عبارت متن مصاحبه‌ها، منجر به استخراج ۲۸۴ کد اولیه گردید. کدهای احصاء شده از این قسمت به علاوه‌ی کدهای بدست آمده از زمینه‌یابی نظری (جمعاً ۴۲۳ کد اولیه) با یکدیگر مقایسه گردیده و پس از بررسی شباهت‌ها و تفاوت‌های آنها در قالب ۶۸ مفهوم دسته‌بندی شدند. در مرحله‌ی بعد، دسته‌بندی مفاهیم بر اساس شباهت‌ها، منجر به استخراج ۲۲ مقوله گردید. جدول ۳ مفاهیم و مقولات مستخرج و تعداد کدهای هر مقوله را به تفکیک نشان می‌دهد.

جدول ۳- مفاهیم و مقولات خودسازماندهی شهری در محلات سبزوار

مفاهیم استخراج شده	مقولات	فراوانی کدهای معرف اولیه		
		در پیشینه شماره مقالات مرجع مطابق با جدول ۲	در پیشینه	در کل
مغفولیت در توسعه عدم اتصال بخش دولتی و خصوصی نیازهای افراد هدف تحرک درونی	عوامل محرک	۷ (۲، ۳، ۶، ۷، ۸)	۱۷	۲۴
سرمایه‌های انسانی سرمایه‌های اجتماعی	نیروهای ساختاری و ظرفیت‌های اجتماع محلی	۱۷ (۱، ۲، ۳، ۵، ۶، ۷، ۸، ۱۰، ۱۳، ۱۴)	۱۷	۳۴
فضای مجازی تکنولوژی دیجیتال و فناوری اطلاعات و ارتباطات	شفافیت و قابلیت دسترسی به اطلاعات	۶ (۱، ۴، ۵، ۱۵)	۲	۸
قوانین و نهادهای رسمی در سطح کلان قوانین و نهادهای رسمی محلی قوانین غیررسمی	قوانین و نیروهای نهادی	۲۴ (۲، ۳، ۴، ۶، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۳، ۱۴، ۱۵)	۲۵	۴۹
مداخلات اجتماعی و رفتارمحور	مداخلات اجتماعی و رفتارمحور	۴ (۲، ۵، ۸)	۳	۷

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-19]
[DOR: 20.1001.1.23225602.1400.10.37.5.2]
[DOI: 10.52547/hafthesar.10.37.5]

مفاهیم استخراج شده	مقولات	فراوانی کدهای معرف اولیه		
		در پیشینه شماره مقالات مرجع مطابق با جدول ۲	در پیشینه	در کل
استقلال عملکردی گروه‌های خودسازمانده	استقلال گروه‌های خودسازمانده	۵ (۲، ۵، ۹)	۸	۱۳
استقلال فکری گروه‌های خودسازمانده				
مطالعات بافت فرسوده	ارتقاء بعد عملکردی	۱۱ (۲، ۵، ۸، ۱۰، ۱۱، ۱۴)	۳۹	۵۰
اصلاح شبکه دسترسی و حمل و نقل				
آماده‌سازی و طراحی شهری شهرک مسکونی و تأمین مسکن				
اجرای زیرساخت‌ها و تامین خدمات				
حفظ و نگهداری پس از اجرا				
ایجاد فضاهای اوقات فراغت				
رسمی کردن گروه های خودسازمانده	رسمیت‌بخشی به گروه‌های خودسازمانده محلی	۵ (۲، ۵، ۱۴)	۸	۱۳
دارایی‌های مالی موجود	ظرفیت ها و دارایی‌های فیزیکی	۶ (۱، ۲، ۸)	۹	۱۵
منابع و ظرفیت‌های کالبدی موجود و موقعیت مکانی				
ظرفیت مجامع علمی محلی	ظرفیت مجامع علمی محلی	۰	۴	۴
توافق با نهادهای ذیربط	مذاکرات و توافقات	۵ (۲، ۵، ۸، ۱۰)	۲۰	۲۵
مذاکره و بده بستان با نهادهای دولتی				
مذاکره با شهروندان، مذاکره اعضای گروه خودسازمانده				
مسئولیت و بهره مشترک	ایجاد علایق و منافع مشترک	۵ (۲، ۱۲)	۴	۹
علایق مشترک				
احساس تعلق	ارتقاء بعد معنایی	۴ (۲)	۹	۱۳
سرزندگی				
احساس هویت				
آورده مردمی	روش‌های تأمین بودجه چندبخشی	۵ (۲، ۸، ۱۰)	۱۸	۲۳
پتانسیل‌های موجود و تبدیل آنها به یکدیگر				
منابع گروه خودسازمانده				
بودجه‌ریزی محلی				
ارتقای پاکیزگی محیط	ارتقاء بعد زیست محیطی	۴ (۱۲، ۱۳)	۸	۱۲
حفاظت از فضای سبز				
طرح کمربندی فضای سبز حفاظتی				

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-19]
[DOR: 20.1001.1.23225602.1400.10.37.5.2]
[DOI: 10.52547/hafthesar.10.37.5]

مفاهیم استخراج شده	مقولات	فراوانی کدهای معرف اولیه		
		در پیشینه	در پیشینه	در کل
		شماره مقالات مرجع مطابق با جدول ۲		
افزایش بینش شهروندان	یادگیری جمعی	۱ (۱۳)	۶	۷
آموزش شهروندان				
نگرش مدیران	عزم مدیران	۱ (۱۰)	۵	۶
عملکرد مدیران				
بهره‌وری اقتصادی	دستاوردهای اقتصادی	۳ (۱۴، ۲)	۱۰	۱۳
صرفه‌جویی در هزینه‌ها				
اشتغال و کارآفرینی				
جذب سرمایه‌گذار				
صاحب فکر و ایده	ویژگی‌های اجتماعی- روانشناختی افراد کلیدی	۶ (۱۲، ۷، ۳)	۳۰	۳۶
معتمد و امین				
توافق جمعی				
خودباور و مسئول				
آشنا با تکنیک‌های مذاکره و گفتگو				
احساس تعلق				
عدم جناح‌بندی سیاسی				
سابقه پروژه های مشارکتی				
انعطاف‌پذیری در برابر قوانین و شرایط احتمالی				
اشراف کامل به فرآیندها و روندهای قانونی موجود				
اشراف کامل بر وضعیت موجود محله				
آگاهی شهروندان	ظرفیت فنی، دانش و آگاهی شهروندان	۱ (۳)	۱۲	۱۳
ظرفیت فنی و دانش و مهارت شهروندان				
نگرش یکسان	مجاورت فضایی- اجتماعی	۲ (۱۰، ۷)	۴	۶
محیط کاری/ زندگی یکسان				
ارتباط افراد کلیدی با سایر گروه‌های خودسازمانده (شبکه گروه‌ها)	جریان ثابت انرژی	۱۷ (۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵)	۲۶	۴۳
ارتباط شهروندان با یگدیکر (شبکه شهروندان)				
ارتباط مدیران با یکدیگر (شبکه مدیران)				
پیوند دائمی نهادهای دولتی با جامعه‌ی مدنی				

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-19]
[DOR: 20.1001.1.23225602.1400.10.37.5.2]
[DOI: 10.52547/hafthesar.10.37.5]

پالایش مفهومی: در این مرحله، مقولات حاصل از داده‌ها در مرحله‌ی کدگذاری استقرایی، به روشی انتقادی مورد بررسی قرار گرفت تا بدینوسیله از خطر تسلط داده‌ها بر فرآیند تکوین نظریه پیشگیری گردد و به شفاف‌سازی بیشتر آنها کمک نماید. به همین منظور از طریق طرح سؤالات مذکور در بخش روش تحقیق، مقولات حاصل مورد ارزیابی قرار گرفت. در ادامه و در جدول ۴ نمونه‌هایی از پالایش مفهومی برخی از مقولات احصاء شده در این پژوهش ارائه می‌گردد.

جدول ۴- پالایش مفهومی برخی از مقولات احصاء شده در مرحله کدگذاری استقرایی

قوانین و نیروهای نهادی	
چیستی و محتوا	چارچوب‌های قانونی، نیروهای نهادی و شیوه‌های مدیریت شهری در سطوح خرد و کلان
جایگاه هستی شناسی	مصنوعات مادی/ انسان‌ها و اقدامات آنها
زمینه و سایر پدیده‌های مرتبط	روش‌های تأمین بودجه چندبخشی، شفافیت و قابلیت دسترسی به اطلاعات، جریان ثابت انرژی
اهداف و کارکرد	تسهیل کننده روند خودسازماندهی شهری
منشأ ظهور	توسعه برنامه ریزی شده و عمدی
ویژگی‌های اجتماعی-روانشناختی افراد کلیدی	
چیستی و محتوا	وجوهی از شخصیت افراد کلیدی در گروه خودسازمانده که به بُعد اجتماعی- روانشناختی آنها برمی‌گردد.
جایگاه هستی شناسی	پدیده‌ای بین ذهنی
زمینه و سایر پدیده‌های مرتبط	جریان ثابت انرژی، مذاکرات و توافقات، ظرفیت‌ها و دارایی‌های اجتماع محلی
اهداف و کارکرد	افزایش ظرفیت گروه خودسازمانده در جهت تحقق اهداف
منشأ ظهور	منشأ درونی، به صورت آگاهانه ظهور می‌یابد.
عوامل محرک	
چیستی و محتوا	عاملی که آغازگرِ تعامل اعضا و فرآیند خودسازماندهی شهری می‌گردد.
جایگاه هستی شناسی	پدیده‌ی بین ذهنی/ اقدامات انسان‌ها/ مصنوعات مادی
زمینه و سایر پدیده‌های مرتبط	مذاکرات و توافقات، جریان ثابت انرژی، نیروهای ساختاری و ظرفیت‌های اجتماع محلی
اهداف و کارکرد	تحریک کننده‌ی افراد و آغازگر فرآیند خودسازماندهی شهری
منشأ ظهور	توسعه برنامه ریزی شده و عمدی یا غیرعمدی

کدگذاری الگویی: به منظور تحلیل فرآیندهای خودسازماندهی شهری، در این مرحله مقوله‌های به دست آمده کدگذاری الگویی شد و یکی از مقوله‌های به دست آمده از کدگذاری استقرایی به عنوان مقوله‌ی محوری مورد شناسایی قرار گرفت. شرط انتخاب مقوله محوری ظهور مکرر آن در داده‌ها، ارتباط منطقی و محکم با سایر مقوله ها و انتزاعی بودن به منظور حفظ قابلیت استفاده در دیگر عرصه‌های خرد واقعی مطرح شده است.

بر این اساس، مقوله‌ی جریان ثابت انرژی (با ۴۳ بار تکرار در داده‌ها) به عنوان مقوله‌ی محوری در خودسازماندهی شهری در محلات شهر سبزوار معرفی گردید. مقوله‌ی جریان ثابت انرژی شامل چهار مفهوم "ارتباط افراد کلیدی با سایر گروه‌های خودسازمانده (شبکه گروه‌ها)"، "ارتباط شهروندان با یکدیگر (شبکه شهروندان)"، " ارتباط مدیران با یکدیگر (شبکه مدیران)" و "پیوند دائمی نهادهای دولتی با جامعه‌ی مدنی" می‌گردد. جریان ثابت انرژی به معنای ایجاد جریان دائمی ارتباطات، تعامل و تبادل ایده‌ها، تجربیات و اطلاعات بین کنشگران مختلف است. ظهور متعدد این مقوله در داده‌های بدست‌آمده حاکی از اهمیت آن در فرآیندهای خودسازماندهی شهری می‌باشد.

غنی‌سازی نظریه: این مرحله در روش تئوری داده بنیاد چندپایه معادل مرحله کدگذاری انتخابی در تئوری داده بنیاد است که در آن مقوله‌ی محوری به صورتی نظام‌مند با دیگر مقولات مرتبط شده و روابط در چارچوب یک روایت تئوریک روشن می‌گردد. در این پژوهش نیز، پس از معرفی مقوله‌ی جریان ثابت انرژی به عنوان مقوله‌ی محوری، سایر مقولات مطابق با شیوه‌ی اشتراوس و کوربین در ارتباط با یکدیگر

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-19]
[DOR: 20.1001.1.23225602.1400.10.37.5.2]
[DOI: 10.52547/hafthesar.10.37.5]

و در ارتباط با مقوله‌ی محوری قرار گرفتند و الگوی خودسازماندهی شهری در محلات شهر سبزوار ظهور یافت. در الگوی بدست آمده، شش مقوله‌ی "عومل محرک"، "نیروهای ساختاری و ظرفیت‌های اجتماع محلی"، "شفافیت و قابلیت دسترسی به اطلاعات"، "ویژگی‌های اجتماعی- روانشناختی افراد کلیدی"، "مجاورت فضایی- اجتماعی" و "عزم مدیران" به عنوان شرایط علی شناسایی گردیدند. مقولات مذکور بر شکل‌گیری جریان ثابت انرژی تأثیر می‌گذارند.

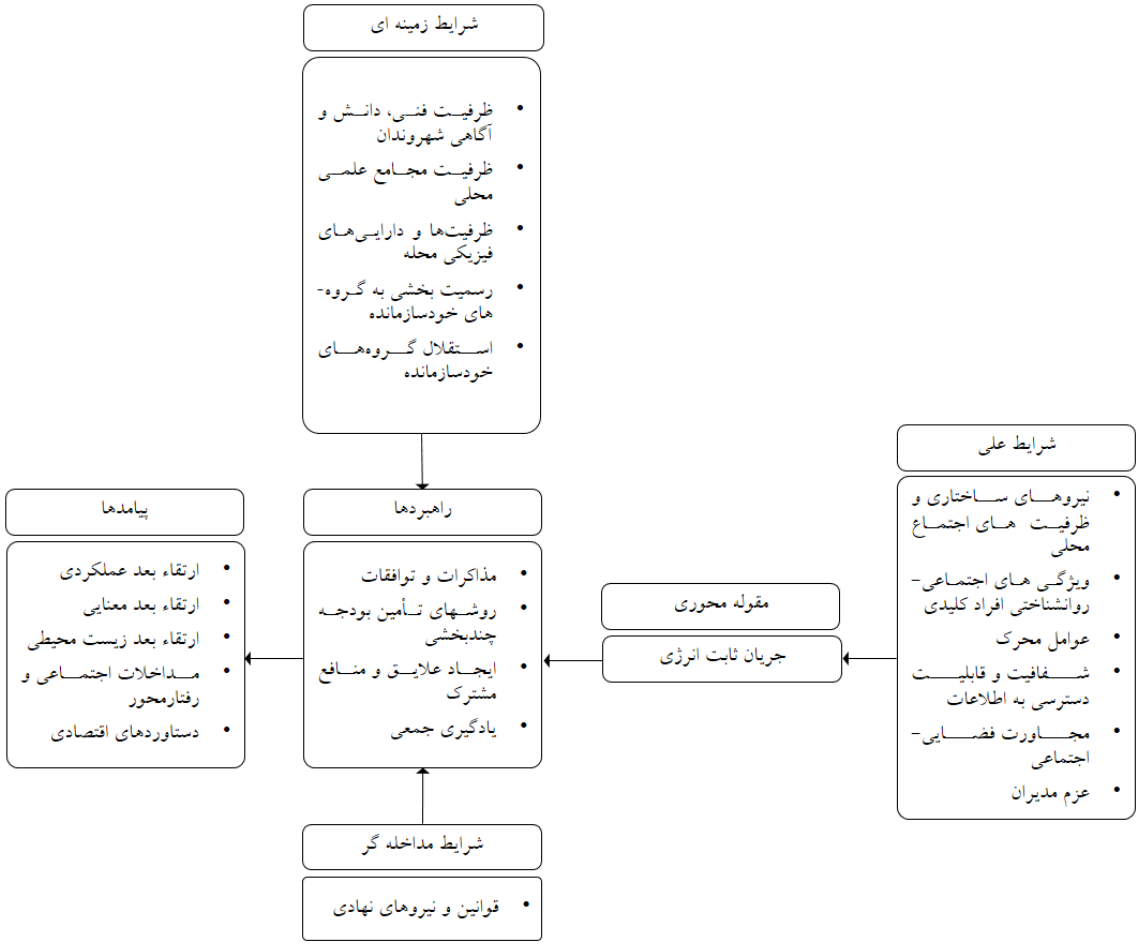
چنانچه راهبردها را کنش‌ها و برهم‌کنش‌های خاصی که از پدیده محوری منتج می‌شود بدانیم، راهبردهای منتج از مقوله‌ی محوری در الگوی مذکور عبارتند از: "مذاکرات و توافقات"، "روش‌های تأمین بودجه چندبخشی"، "ایجاد علایق و منافع مشترک" و "یادگیری جمعی". در حقیقت، برقراری و تداوم جریان اطلاعات و تبادل تجربیات در میان افراد سبب ایجاد علایق و منافع مشترک و نیز افزایش بینش و آگاهی شهروندان می‌گردد. به منظور دستیابی به اهداف مشترک شهروندان، مذاکرات و توافقاتی درون اجتماع محلی و بین افراد گروه خودسازمانده یا شهروندان دخیل در فرآیندهای خودسازماندهی و نیز مذاکرات و توافقاتی بیرون از اجتماع محلی و میان کنشگران محلی و نهادهای دولتی رخ می‌دهد. در خلال این مذاکرات، برنامه‌ها و پروژه‌های موردنیاز ساکنان تعریف شده و در نهایت، بودجه‌ی مورد نیاز از کانال‌های مختلف از قبیل آورده‌ی مردمی، بودجه‌های اختصاص یافته‌ی محلی و تبدیل پتانسیل‌های مختلف به یکدیگر تأمین می‌گردد.

با در نظرگرفتن زمینه‌ها به عنوان شرایط خاصی که بر راهبردها تأثیر می‌گذارند، در این الگو مقولات "ظرفیت فنی، دانش و آگاهی شهروندان"، "ظرفیت مجامع علمی محلی"، "ظرفیت‌ها و دارایی‌های فیزیکی محله"، "رسمیت بخشی به گروه‌های خودسازمانده" و "استقلال گروه‌های خودسازمانده" به عنوان شرایط زمینه‌ای معرفی می‌گردند. شرایط مداخله‌گر در الگوی حاصل از پژوهش حاضر "قوانین و نیروهای نهادی" می‌باشد. شرایط مداخله‌گر، شرایط زمینه‌ای عمومی هستند که بر راهبردها تأثیر می‌گذارند. ساختارها و چارچوب‌های قانونی تسهیل‌کننده و مکانیسم‌های مطلوب حاکمیتی و مدیریت شهری در سطوح کلان و محلی از قبیل وجود سیستم‌های مدیریت شهری چندسطحی و تدوین قوانین انعطاف‌پذیر و قابل تطبیق با شرایط محلی، بسترهایی هستند که اثرات مثبت و قابل توجهی در ایجاد و گسترش فرآیندهای خودسازماندهی شهری برجای می‌گذارند. مطابق با یافته‌های این پژوهش، الگوی پیشنهادی، سبب ارتقاء ابعاد عملکردی، معنایی و زیست‌محیطی می‌گردد و دستاوردهای اقتصادی و مداخلات اجتماعی و رفتار محور را نیز به همراه دارد. الگوی خودسازماندهی شهری در محلات شهر سبزوار به شرح شکل۲ تدوین می‌گردد. در نظریه‌پردازی داده بنیاد چندپایه، اعتبارسنجی، بخشی فعال از فرآیند پژوهش بوده و در قالب یکسری راهبرد اجرا می‌شود. اگرچه محاسبه‌ی این شاخص در حوزه‌ی پژوهش‌های کمی با تکیه بر محاسبات و آزمون های آماری دقیق انجام می‌گیرد، در حوزه‌ی پژوهش‌های کیفی به دلیل ویژگی‌های خاص آن، به سوی مفاهیمی نسبی گرایانه‌تر و تفسیری‌تر تغییر کرده است. در پژوهش حاضر با استفاده از سه مفهوم "قابلیت اعتبار یا اعتبارپذیری"، "قابلیت انتقال یا انتقال‌پذیری" و "قابلیت تأیید یا تأییدپذیری" تلاش گردیده است که اعتبار پژوهش افزایش یابد. جدول ۵ مفاهیم و روش‌های افزایش اعتبار پژوهش حاضر را نشان می‌دهد.

جدول ۵- مفاهیم و روش‌های افزایش اعتبار پژوهش حاضر

مفهوم	شرح مفهوم	نحوه‌ی افزایش مفهوم در این پژوهش
قابلیت اعتبار	درجه‌ی اعتماد به واقعی بودن یافته‌ها	• نمایش و ارائه‌ی تحلیل‌های داده‌ای و نتایج آن به متخصصان • ارائه‌ی تحلیل‌های داده‌ای و نتایج آن به پاسخگویان تا از واکنش‌های آنان در مرحله‌ی گزارش‌نویسی آگاهی حاصل آید. • خود بازبینی محقق در طی فرآیند جمع‌آوری و تحلیل داده
قابلیت انتقال	قابلیت تعمیم نتایج به سایر حوزه‌ها و زمینه‌ها	• استفاده از رویه‌های ویژه‌ی کدگذاری در مرحله‌ی تحلیل داده‌ها • ارائه توصیفات مفصل و غنی از نحوه‌ی کدگذاری، نقل قولها و پژوهش‌های پیشین
قابلیت تأیید	قدرت تحلیل و دقت داده‌ها و میزان تأیید آنها	• تثلیث و جمع‌آوری داده از منابع مختلف • انعطاف‌پذیری و ارزیابی مجدد برنامه‌ی مصاحبه و بازبینی محتوا و فرآیندهای آن

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-19]
[DOR: 20.1001.1.23225602.1400.10.37.5.2]
[DOI: 10.52547/hafthesar.10.37.5]



تصویر ۲- الگوی خودسازماندهی شهری در محلات شهر سبزوار

بحث، تفسیر و روایت یافته‌ها

همانگونه که گفته شد، در این پژوهش، مطابق با روش تئوری داده بنیاد چندپایه، یافته‌های پژوهش همزمان و در خلال مراحل مختلف تحقیق شامل کدگذاری استقرایی، پالایش مفهومی، شناسایی مقوله‌ی محوری و غنی‌سازی نظریه، ظهور یافته است. در این بخش، یافته-های بدست آمده به تفصیل تحلیل و تفسیر می‌گردد.

تحلیل و تفسیر مقوله‌ی محوری جریان ثابت انرژی: جریان ثابت انرژی به معنای جریان دائمی ارتباطات، تعامل و تبادل ایده‌ها، تجربیات و اطلاعات بین کنشگران مختلف فرآیندهای خودسازماندهی شهری است. این جریان شامل؛ ارتباط و تعامل شهروندان با یکدیگر، تبادل اطلاعات افراد کلیدی با سایر گروه‌های خودسازمانده، ارتباط مدیران نهادهای دولتی با یکدیگر و پیوند دائمی نهادهای دولتی با جامعه‌ی مدنی می‌باشد. این مقوله اساس فرآیندهای خودسازماندهی شهری را تشکیل می‌دهد. در حقیقت از طریق تعاملات پویا و دائمی در میان کنشگران مختلف، روابط سازنده‌ی حیاتی و شبکه‌های متصل‌کننده‌ی افراد ایجاد شده، رشد و نمو یافته و خودسازماندهی شهری ظهور می‌یابد. دانش و تجربیات به دست آمده از طریق این تعاملات، نقش بسیار مهمی را در توسعه و تثبیت روندهای خودسازمان‌دهی ایفا می‌نماید. موضوعی که در داده‌های جمع‌آوری شده به شیوه‌های مختلف مورد توجه و تأکید قرار گرفته بود. مقوله‌ی جریان ثابت انرژی شامل ۴ مفهوم می‌باشد که در پژوهش‌های پیشین مانند کورا و همکاران (۲۰۱۷) و اتکینسون و همکاران (۲۰۱۸) به مفاهیمِ "ارتباط افراد کلیدی با سایر گروه‌های خودسازمانده" و "پیوند دائمی نهادهای دولتی با جامعه ی مدنی" اشاره شده است. مفاهیم "ارتباط شهروندان با یکدیگر (شبکه شهروندان)" و "ارتباط مدیران با یکدیگر (شبکه مدیران)" از مفاهیمی است که در این پژوهش بدست آمده است.

تحلیل و تفسیر شرایط علی: همانگونه که پیشتر بیان شد، در الگوی بدست آمده، شش مقوله‌ی "عومل محرک"، "نیروهای ساختاری و ظرفیت‌های اجتماع محلی"، "شفافیت و قابلیت دسترسی به اطلاعات"، "ویژگی‌های اجتماعی- روانشناختی افراد کلیدی"، "مجاورت فضایی-

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-19]
[DOR: 20.1001.1.23225602.1400.10.37.5.2]
[DOI: 10.52547/hafthesar.10.37.5]

اجتماعی" و "عزم مدیران" به عنوان شرایط علی شناسایی گردیدند. مقولات مذکور بر شکل‌گیری جریان ثابت انرژی تأثیر می‌گذارند.
در تشریح این موضوع می‌توان گفت؛ عواملی از قبیل محرومیت‌ها، مغفولیت‌ها و چالش‌های موجود در محیط زندگی، نیازهای مختلف افراد و همچنین تحرکات و تغییرات ذهنی و درونی افراد، نقطه‌ی آغازینِ برقراری تعاملات و ارتباطات میان شهروندان و شروع فرآیندهای خودسازماندهی شهری می‌باشد. مقوله‌ی عوامل محرک شامل ۵ مفهوم است که این مفاهیم در پژوهش‌های پیشین نظیر مرکر و همکاران (۲۰۱۳)، ندرلند و همکاران (۲۰۱۵) و حسنو و بومانت (۲۰۱۶) آمده است و پژوهش حاضر نیز آن را تأیید می‌کند.
از سوی دیگر، نیروهای ساختاری و ظرفیت‌های اجتماع محلی نیز در ایجاد جریان ثابت انرژی و شکل‌گیری شبکه‌های انسانی نقش مؤثری بر عهده دارند. در حقیقت، پیشقدمان، داوطلبان، افراد کلیدی و رهبران محلی که معمولاً از مهارت بالایی در برقراری ارتباط برخوردارند و روابط ریشه‌دار و غیررسمی گسترده‌ای دارند، ارتباطات موردنیاز را برای رفع مشکلات و برطرف شدن نیازهای محله، در داخل و یا خارج از محله برقرار می‌نمایند. مقوله‌ی نیروهای ساختاری و ظرفیت‌های اجتماع محلی شامل ۲ مفهوم "سرمایه‌های انسانی" و "سرمایه‌های اجتماعی" است که در پژوهش‌های پیشین مانند کوتوس و هاوکا (۲۰۱۰)، هورلی و همکاران (۲۰۱۵) و نانبوگو و کورا (۲۰۱۶) نیز به آن اشاره شده و این پژوهش نیز آن را تأیید می‌نماید.
افراد کلیدی و راهبران محلی اغلب از ویژگی‌های اجتماعی- روانشناختی خاصی برخوردارند. این افراد معمولاً مسئولیت‌پذیر بوده و نسبت به مکان زندگی حس تعلق دارند. افراد کلیدی غالباً به تأثیر نقش شهروند در توسعه اعتقاد قلبی داشته و سابقه‌ی همکاری در پروژه‌های مشارکتی را نیز دارند. آشنایی با اشکال مذاکره نحوه و شکل گفتگو و فن بیان نیز از دیگر مواردیست که در موفقیت برقراری ارتباطات و تعاملاتِ افراد کلیدی نقش مهمی برعهده دارد. مقوله‌ی ویژگی‌های اجتماعی- روانشناختی افراد کلیدی ۱۱ مفهوم را در برمی‌گیرد که در پژوهش‌های پیشین مانند ندرلند و همکاران (۲۰۱۵)، حسنو و بومانت (۲۰۱۶) و اتکینسون و همکاران (۲۰۱۷) تنها به ۳ مفهوم حس تعلق، حس احترام، معتمد و امین و توافق جمعی اشاره شده است که در پژوهش حاضر نیز تأیید می‌گردد. سایر مفاهیم شامل خودباور و مسئول، آشنا با تکنیک‌های مذاکره و گفتگو، عدم جناح بندی سیاسی، سابقه پروژه های مشارکتی، انعطاف‌پذیری در برابر قوانین و شرایط احتمالی، اشراف کامل به فرآیندها و روندهای قانونی موجود و اشراف کامل بر وضعیت موجود محله از مفاهیم بدست آمده در این پژوهش می‌باشد.
مقوله‌ی دیگری که بر ایجاد جریان انرژی تأثیرگذار است، عزم مدیران و پذیرش نقش ویژه‌ی شهروندان در توسعه‌ی شهرها و محلات در فکر و عمل می‌باشد. پذیرش این موضوع از سوی مدیران سبب تمایل بیشتر به ارتباط و تعامل با شهروندان شده و ایجاد جریان مداوم انرژی تسهیل می‌گردد. در همین راستا، افزایش شفافیت و قابلیت دسترسی به اطلاعات با استفاده از تکنولوژی دیجیتال و فناوری اطلاعات و ارتباطات نیز سهم ویژه‌ای در برقراری و تداوم جریان ایده‌ها، اطلاعات و تجربیات بر عهده دارد. مقوله‌ی شفافیت و قابلیت دسترسی به اطلاعات در پژوهش‌های پیشین مانند کلین هنس و همکاران (۲۰۱۰)، هورلی و همکاران (۲۰۱۵)، راوس و همکاران (۲۰۲۰) و ... آمده است و پژوهش حاضر نیز آن را تأیید می‌نماید.

تحلیل و تفسیر راهبردها: همانگونه که گفته شد، راهبردهای منتج از مقوله‌ی محوری در الگوی خودسازماندهی شهری محلات سبزوار عبارتند از: "مذاکرات و توافقات"، "روش‌های تأمین بودجه چندبخشی"، "ایجاد علایق و منافع مشترک" و "یادگیری جمعی".
در تشریح مقولات فوق می‌توان گفت، در خلال برقراری و تداوم جریان اطلاعات و تبادل تجربیات در میان افراد و نهادهای رسمی و غیررسمی، علایق و منافع مشترک ایجاد و شناسایی می‌گردد. همچنین، بینش و آگاهی شهروندان در زمینه‌ی ابتکارات و راه‌حل‌های ممکن، وظایف و اختیارات نهادهای مرتبط با توسعه‌ی محله و قوانین و روندهای موجود، نیز افزایش یافته و یادگیری جمعی اتفاق می‌افتد. به مقولات مذکور در سایر پژوهش‌ها مانند مرکر و همکاران (۲۰۱۳)، اتکینسون و همکاران (۲۰۱۷) و حسنو و زدما (۲۰۱۸) نیز اشاره شده است و در این پژوهش نیز تأیید می‌گردد. از سوی دیگر، به منظور دستیابی به اهداف مشترک شهروندان، مذاکرات و توافقاتی درون اجتماع محلی و بین شهروندان دخیل در فرآیندهای خودسازماندهی شهری و نیز مذاکرات و توافقاتی بیرون از اجتماع محلی و میان کنشگران محلی و نهادهای دولتی رخ می‌دهد. در خلال این مذاکرات، برنامه‌ها و پروژه‌های موردنیاز شهروندان تعریف شده و در نهایت، بودجه‌ی مورد نیاز جهت اجرای پروژه‌ها از کانال‌های مختلف از قبیل آورده‌ی مردمی، بودجه‌های اختصاص یافته‌ی دولتی به محله و تبدیل پتانسیل‌های مختلف به یکدیگر تأمین می‌گردد. در پژوهش‌های پیشین مانند مرکر و همکاران (۲۰۱۳) و نانبوگو و کورا (۲۰۱۶) و کوزولینو و همکاران (۲۰۱۷) به مفاهیم آورده‌ی مردمی و بودجه‌های اختصاص یافته‌ی دولتی اشاره شده است. اما مفهوم تبدیل پتانسیل‌های مختلف به یکدیگر از مفاهیم حاصل شده در این پژوهش می‌باشد.

تحلیل و تفسیر شرایط زمینه‌ای: در الگوی خودسازماندهی شهری محلات سبزوار، مقولات "ظرفیت فنی، دانش و آگاهی شهروندان"، "ظرفیت مجامع علمی محلی"، "ظرفیت‌ها و دارایی‌های فیزیکی محله"، "رسمیت بخشی به گروه‌های خودسازمانده" و "استقلال گروه‌های خودسازمانده" به عنوان شرایط زمینه‌ای معرفی می‌گردند. در تشریح این شرایط باید گفت، میزان آگاهی شهروندان از وظایف و اختیارات مدیران و نهادهای دولتی، میزان مهارت‌ها و تمرین‌های اجتماعی و ظرفیت‌های فنی و مهارت و دانش شهروندان و گروه‌های خودسازمانده بر موفقیت

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-19]
[DOR: 20.1001.1.23225602.1400.10.37.5.2]
[DOI: 10.52547/hafthesar.10.37.5]

مذاکرات و توافقات و افزایش یادگیری جمعی تأثیر عمده‌ای می‌گذارند. از طرف دیگر، ظرفیت مجامع علمی محلی از قبیل دانشگاه‌ها و پژوهشکده‌های موجود و نیز اساتید حاضر در آنها فرصت بسیار مناسبی جهت تبادل ایده و اطلاعات و آموزش و یادگیری جمعی فراهم می‌آورد. در پژوهش‌های پیشین به مقوله‌ی ظرفیت مجامع علمی محلی اشاره‌ای نشده است و این مقوله در این پژوهش بدست آمده است. علت این موضوع وجود دانشگاه‌های متعدد در زمینه‌ی مورد تحقیق یعنی شهر سبزوار است که در کدهای مستخرج از مصاحبه‌ها مشاهده می‌گردد.

همچنین، دارایی‌های مالی و منابع و ظرفیت‌های کالبدی موجود و موقعیت مکانی شامل ساختمان‌های تجاری موجود در محله، مشاغل محلی موجود، سرمایه‌های کالبدی افراد، زمین‌های خالی و بلااستفاده در محله و از این قبیل موارد بر تأمین بودجه پروژه‌های تعریف شده در سطح محله تأثیر بسزایی دارند. به مقوله‌ی ظرفیت‌ها و دارایی‌های فیزیکی در پژوهش‌های گذشته مانند کوتوس و هاوکا (۲۰۱۰)، مرکر و همکاران (۲۰۱۳) و نانبوگو و کورا (۲۰۱۶) اشاره شده است و نتایج پژوهش حاضر نیزآن را تأیید می‌نماید. از طرف دیگر، به رسمیت شناختن استقلال گروه‌های خودسازمانده و داوطلب محلی و تفویض اختیار به آنها، به گروه‌های مذکور صورت قانونی بخشیده و سبب قدرت و موفقیت آنها در عرصه‌ی مذاکرات و توافقات می‌گردد. مقولات مذکور در پژوهش‌های پیشین مانند هورلی و همکاران (۲۰۱۵)، راوس (۲۰۱۶) و ایزنبرگ (۲۰۱۹) آمده است و مطالعات پژوهش حاضر نیز آنها را تأیید می‌کند.

تحلیل و تفسیر شرایط مداخله‌گر: شرایط مداخله‌گر در الگوی حاصل از پژوهش "قوانین و نیروهای نهادی" می‌باشد. شرایط مداخله‌گر، شرایط زمینه‌ای عمومی هستند که بر راهبردها تأثیر می‌گذارند. ساختارها و چارچوب‌های قانونی تسهیل‌کننده و مکانیسم‌های مطلوب حاکمیتی و مدیریت شهری در سطوح کلان و محلی از قبیل وجود سیستم‌های مدیریت شهری چندسطحی، حمایت نهادهای رسمی و سازمان‌های مدیرتی و پشتیبان، روش مناسب انتخاب مدیران، حذف بوروکراسی و مراحل دست و پاگیر اداری، تسهیل مجوزهای قانونی مورد نیاز و تدوین قوانین انعطاف‌پذیر و قابل تطبیق با شرایط محلی و نیز ایجاد ساختارهای مدیریت محلی، بسترهایی هستند که اثرات قابل توجهی در ایجاد و گسترش فرآیندهای خودسازماندهی شهری برجای می‌گذارند. مقوله‌ی قوانین و نیروهای نهادی با ۴۹ کد، یکی از مقولاتیست که بیشترین کدها را به خود اختصاص داده است. این مقوله با ۳ مفهوم در پژوهش‌های پیشین به دفعات آمده است که مطالعات زنگ و همکاران (۲۰۱۵)، رائوس (۲۰۱۶)، کوزولینو و همکاران (۲۰۱۷) و حسنو و زدما (۲۰۱۸) از این قبیل هستند. نتایج پژوهش حاضر نیز بر این موضوع تأکید می‌کند. از آنجا که مکانیسم‌های برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری مشارکتی، پایین به بالا و دموکراتیک در نظام مدیریت شهری در بستر تحقیق (شهر سبزوار) به صورت کامل عملیاتی نشده است، شرایط مذکور غالباً نقش بازدارندگی دارند. مقوله‌ی مذکور در داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها به کرات و به طرق مختلف پدیدار شد.

تحلیل و تفسیر پیامدها: مطابق با یافته‌های این پژوهش، فرآیندهای خودسازماندهی شهری، سبب ارتقاء ابعاد عملکردی از قبیل اصلاح شبکه‌های دسترسی، آماده‌سازی، طراحی و تأمین مسکن، اجرای زیرساخت‌ها و تامین خدمات، حفظ و نگهداری پس از اجرا، ایجاد فضاهای اوقات فراغت و مطالعات بافت فرسوده می‌گردد. مقوله‌ی ارتقاء ابعاد عملکردی ۶ مفهوم را در برمی‌گیرد که ۵ مفهوم آن در پژوهش‌های پیشین مانند نانبوگو و کورا (۲۰۱۶)، کوزولینو و همکاران (۲۰۱۷)، کورا و همکاران (۲۰۱۷) و ایزنبرگ (۲۰۱۹) آمده است و نتایج مطالعه‌ی حاضر نیز برآن تأکید می‌نماید. اما مفهوم مطالعات بافت فرسوده از زمینه‌ی تحقیق برآمده و حاصل یافته‌های این پژوهش می‌باشد. این موضوع نیز به دلیل شرایط شهر سبزوار است که بافت فرسوده به عنوان یکی از مهم‌ترین معضلات این شهر محسوب می‌گردد و بنابراین بر کدهای احصاءشده از مصاحبه‌ها نیز تأثیر گذاشته است.

از طرف دیگر، فرآیندهای خودسازماندهی شهری ابعاد معنایی شامل احساس تعلق به مکان، خاطره‌انگیزی محیط، سرزندگی و احساس هویت را نیز ارتقاء می‌دهد و ابعاد بصری و زیست‌محیطی محله نیز بهبود می‌یابد. مقوله‌ی ارتقاء ابعاد زیست‌محیطی در پژوهش‌های پیشین از جمله مطالعات اتکینسون و همکاران (۲۰۱۷) و حسنو و زدما (۲۰۱۸) آمده است و نتایج این پژوهش نیز آن را تأیید می‌کند. دستاوردهای اقتصادی از قبیل بهره‌وری اقتصادی در پروژه‌ها، اشتغال و کارآفرینی و جذب سرمایه‌گذار نیز از دیگر پیامدهای الگوی حاصل است که در سایر مطالعات مانند مرکر و همکاران (۲۰۱۳) و ایزنبرگ (۲۰۱۹) به مفهوم اشتغال و کارآفرینی اشاره شده اما بهره‌وری اقتصادی و جذب سرمایه‌گذار از مفاهیمی است که در این پژوهش بدست آمده است. مداخلات اجتماعی و رفتار محور نیز از دیگر پیامدهای فرآیندهای خودسازماندهی شهری می‌باشد که در پژوهش‌های پیشین به آن اشاره شده و مطالعات این پژوهش نیز آن را تأیید می‌نماید.

نتیجه‌گیری

با وجود مطالعات نظری بسیار در زمینه‌ی مشارکت، شواهد بسیاری نشان می‌دهد که فرآیندهای مشارکتی در عمل، از موفقیت کافی برخوردار نبوده‌اند. به عقیده‌ی محققان، مفهوم خودسازماندهی شهری می‌تواند راهی برای خروج از این مسئله فراهم آورد. از این رو و با توجه به

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-19]
[DOR: 20.1001.1.23225602.1400.10.37.5.2]
[DOI: 10.52547/hafthesar.10.37.5]

ناشناخته بودن این پدیده در داخل کشور، هدف پژوهش حاضر شناسایی مفاهیم و مقولات خودسازماندهی شهری در محلات شهر سبزوار و بررسی چگونگی ارتباط بین آنها می‌باشد.

تحلیل داده‌های حاصل از مرور نظام‌مند مطالعات در زمینه‌ی خودسازماندهی شهری و مصاحبه با هجده نفر از کنشگران دخیل در فرآیندهای خودسازماندهی شهری در شهر سبزوار، مسئولان مدیریت شهری و نیز متخصصان مسائل شهری به شناسایی الگویی منجر شد که روابط بین مفاهیم و مقولات خودسازماندهی شهری در شهر سبزوار را بیان می‌نماید. در الگوی مذکور جریان ثابت انرژی به عنوان مقوله‌ی محوری معرفی گردید. در حقیقت، جریان ارتباطات، تعاملات و تبادل ایده‌ها، تجربیات و اطلاعات در میان کنشگران مختلف فرآیندهای خودسازماندهی شهری اعم از شهروندان، افراد کلیدی و مسئولین نهادهای رسمی، اساس فرآیندهای خودسازماندهی شهری مبتنی بر جامعه را تشکیل می‌دهد. از این رو تلاش در جهت برقراری و افزایش جریان مذکور می‌تواند بسترهای لازم برای شکل‌گیری فرآیندهای خودسازماندهی شهری را فراهم آورد.

نتایج به دست آمده در پژوهش حاضر به طور کلی با پژوهش‌های پیشین، مطابقت دارد. مقوله‌ای که در پژوهش‌های پیشین به آن اشاره‌ای نشده بود، ظرفیت مجامع علمی محلی است که این مورد در پژوهش حاضر به سبب شرایط ویژه‌ی سبزوار و وجود دانشگاه‌های متعدد و بسیار (به نسبت جمعیت شهر) ظهور یافت. از دیگر مواردی که در رابطه با پژوهش‌های پیشین می‌توان به آن اشاره کرد، مقوله‌ی قوانین و نیروهای نهادی است. از آنجا که اکثر قریب به اتفاق تحقیقات پیشین در کشورهایی انجام گرفته که از سابقه‌ی دموکراتیک بالایی برخوردارند، مقوله‌ی مذکور غالباً به عنوان عاملی در جهت توسعه‌ی فرآیندهای خودسازماندهی‌شهری شناخته شده است. این در حالی است که با توجه به شرایط موجود در کشور، قوانین و نیروهای نهادی در سطوح کلان و خرد، شرایط مداخله‌گری در فرآیندهای خودسازماندهی شهری محسوب می‌شوند که لزوم اصلاح آنها ضروری به نظر می‌رسد. در حقیقت، برای نیل به مشارکت واقعی و خودسازمان‌یافته‌ی شهروندان، اصلاحات ساختاری و قانونی در روندهای مدیریت شهری اجتناب‌ناپذیر است. تغییرات به سمت سیستم‌های مدیریت چندسطحی، تدوین قوانین انعطاف‌پذیر و قابل تطبیق با شرایط محلی و حذف مراحل دست و پاگیر اداری از جمله مهم‌ترین اقداماتی است که باید در این زمینه مورد توجه قرار داد.

برای انجام پژوهش‌های آتی پیشنهاد می‌گردد که الگوی پیشنهادی در این پژوهش در سایر شهرهای کشور مورد ارزیابی قرار گرفته و از این طریق الگوی مذکور بهبود یابد. همچنین پیشنهاد می‌گردد تهیه و ارائه‌ی مدلهای عملیاتی مشارکت با استفاده از ظرفیت خودسازماندهی شهری، در دستور کار محققین قرار گیرد.

پی‌نوشت‌ها

1. Self- Organization
2. Urban Self- Organization
3. Haken and Portugali
4. Barros and Sobreira
5. Hua
6. Partanen
7. Levy et al
8. Boonstra and Boelens
9. Hasanov and Beaumont
10. Nunbogu and Prosper Korah
11. Atkinsona et al
12. Hasanov and Zuidema
13. Actor Network Theory
14. Latour
15. Wagenaar
16. Multi Grounded Theory
17. Interview Protocol Refinement Framework

منابع

- بزی، خ و حیدری، ف. (۱۳۹۵). بررسی سرمایهٔ اجتماعی در محلات مختلف شهر داراب (استان فارس). پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، ۷ (۲۴)، ۱۴۳-۱۵۶.
- پایگاه اطلاع‌رسانی دولت. (۱۳۹۷). افزایش تعداد سمن‌ها به ۱۴ هزار در کشور/ لایحه سمن‌ها تهیه و به دولت ارائه شده است [اخبار]. بازیابی شده در ۱۵ مهر ۱۳۹۹، از http://dolat.ir/detail/311523
- پرتال شهرداری سبزوار. (۱۳۹۵). نتایج سرشماری شهرستان سبزوار و حومه سال ۱۳۹۵ [اخبار سبزوار]. بازیابی شده در ۱۵ مهر ۱۳۹۹، از http://sabzevar.ir
- پیران، پ. (۱۳۸۳). مشارکت اجتماعی در ایران؛ تناقضی ریشه‌دار، در مجموعه مقالات اولین همایش ملی طرح مسائل جامعه‌شناسی ایران. تهران، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.
- پورمحمدی، م. ح، حسین‌زاده دلیر، ک و پیری، ع. (۱۳۹۰). تحلیلی بر دگرگونی کیفی سرمایه اجتماعی در نظام شهری، نمونه موردی: نظام شهری استان آذربایجان‌شرقی. مطالعات جغرافیایی مناطق‌خشک، ۱(۳)، ۱-۱۹.

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-19]
[DOR: 20.1001.1.23225602.1400.10.37.5.2]
[DOI: 10.52547/hafthesar.10.37.5]

- حاجی‌پور، خ. (۱۳۸۵). برنامه ریزی محله- مبنا رهیافتی کارآمد در ایجاد مدیریت شهری پایدار. هنرهای زیبا، ۲۶، ۳۷- ۴۶.
- خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران (ایرنا)، استان خراسان رضوی. (۱۳۹۸). تعداد سازمان‌های مردم نهاد سبزوار افزایش یافت. بازیابی شده در ۱۵ مهر ۱۳۹۹، از https://www.irna.ir/news/83436530
- دانشور، م، غفاری، ع و ماجدی، ح. (۱۳۹۸). رویکردی داده بنیاد بر کاربست برنامه های ساختاری -راهبردی در نظام شهرسازی ایران. معماری و شهرسازی آرمانشهر، ۲۷، ۱۵۵- ۱۶۵.
- صفارسبزوار، ف، دانشور، م، حنایی، ت و سیدالحسینی، س.م. (۱۳۹۸). شناسایی ابعاد و مؤلفه‌های مفهوم خودسازماندهی شهری با استفاده از روش فراترکیب. دانش شهرسازی، ۳ (۴)، ۵۳-۷۱.
- قادری، ص، فاضلی، م و پاک‌سرشت، س. (۱۳۹۵). راهبردهای محله محوری و توسعهٔ محله ای: مقایسهٔ الگوی مدیریت محله و عملکرد آن در ایران و انگلستان. توسعه محله‌ای (روستایی- شهری)، ۸ (۱)، ۵۷-۸۸.
- نوری کرمانی، ع، رضایی، ع. الف و پاکدل‌نژاد، م. (۱۳۹۴). ارزیابی برنامه ریزی مشارکتی طرح مدیریت محله در شهر تهران. مطالعات جامعه‌شناسی شهری، ۵ (۱۵)، ۱۸۳- ۲۱۸.
- Atkinson, R., Dörfler, T., Hasanov, M., Rothfu, E., & Smith, I. (2017). Making the case for self-organization: understanding how communities make sense of sustainability & climate change through collective action. Sustainable Society, 9 (3), 1-20.
- Boonstra, B., & Boelens, L. (2011). Self-organization in urban development: Towards a new perspective on spatial planning. Urban Research & Practice, 4 (2), 99–122.
- Cevallos, E. S. P. (2014). Self-organization and urban cycling in Quito: the role and influence of civil society in alternative mobility policies and planning. MSc Programme in Urban Management and Development, Rotterdam, The Netherlands.
- Eizenberg, E. (2019). Patterns of self-organization in the context of urban planning: Reconsidering venues of participation. Planning Theory. 18 (1), 40- 57.
- Fridman. J. (1993). Toward a Non- Euclidian Mode of Planning. APA Journal, 482-485.
- Goldkuhl, G., & Cronholm, S. (2010). Adding theoretical grounding to grounded theory: Toward multi-grounded theory. International journal of qualitative methods, 9 (2), 187-205.
- Hasanov, M., & Beaumont, J. (2016). The value of collective intentionality for understanding urban self-organization. Urban Research & Practice, 9 (3), 231-249.
- Hasanov, M., Zuidema, C. (2018). The transformative power of self-organization: Towards a conceptual framework for understanding local energy initiatives in The Netherlands. Energy Research & Social Science, (37), 85–93.
- Horelli, L., Saad-Sulonen, J., Wallin, S., & Botero, A. (2015). When Self-Organization Intersects with Urban Planning: Two Cases from Helsinki. Planning, Practice & Research, 30 (3), 286–302.
- Korah, P. I., Cobbinah, P. B., & Nunbogu, A. M. (2017). Spatial Planning in Ghana: Exploring the Contradictions. Planning Practice & Research, 32 (4), 361-384.
- Latour, B. (2005). Reassembling the social: An introduction to actor-network-theory. Oxford, USA: Oxford University Press.
- Lind, M., & Goldkuhl, G. (2006). How to develop a multi-grounded theory: The evolution of a business process theory. Australasian Journal of Information Systems, 13 (2), 69-86.
- Meerkerk, I. v., Boonstra, B., & Edelenbos, J. (2013). Self-Organization in Urban Regeneration: A Two-Case Comparative Research. European Planning Studies, 21 (10), 1630–1652.
- Nederhand, J., Bekkers, V., & Voorberg, W. (2015). Self-Organization and the Role of Government: How and why does self-organization evolve in the shadow of hierarchy?. Public Management Review, 18 (7), 1063-1084.
- Nunbogu, A. M., & Korah, P. I. (2016). Self- organisation in urban spatial planning: Evidence from the Greater Accra Metropolitan Area, Ghana. Urban Research & Practice, 10 (4), 423-441.
- Williams-Jones, B., & Graham, J. E. (2003). Actor-network theory: A tool to support ethical analysis of commercial genetic testing. New Genetics and Society. 22 (3), 271-296.

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-19]
[DOR: 20.1001.1.23225602.1400.10.37.5.2]
[DOI: 10.52547/hafthesar.10.37.5]

Urban self-organization in practice: identifying a model for understanding collective action in neighborhoods of Sabzevar City

***Fatemeh Saffar Sabzevar**, Ph.D. Candidate, Department of Urbanism, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran.*
***Maryam Daneshvar,** Assistant Professor, Department of Urbanism, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran. (m.daneshvar@srbiau.ac.ir)*
***Toktam Hanaee,** Assistant Professor, Department of Urbanism, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran.*
***Seyed Moslem Seyedalhosseini**, Associate Professor, Department of Urbanism, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran.*

Received: 2021/01/19 Accepted: 2021/08/02

Extended abstract
Introduction: Studies show that the concept of urban self-organization can pave the way for researchers to achieve actual citizen participation. Despite the importance of this issue, there is a significant cognitive gap in this field in Iran. Due to the contextual nature of urban self-organization, to use this concept in the development of the country's neighborhoods, one must first understand the specific concepts and elements of this phenomenon inside. This study aims to identify the concepts and categories of urban self-organization in the neighborhoods of Sabzevar and investigate the relationship between these concepts and categories.
Methodology: the research uses the multi grounded theory. The existing theoretical texts were reviewed during a round-trip process, and 18 activists of urban self-organization processes in Sabzevar, officials, and experts on urban issues were interviewed. A combination of purposeful judgment methods and snowballs, non-probabilistic methods, has been used to select the statistical population. Adequacy of sampling has also been achieved by the theoretical sampling method.
Results: During the research process, 423 initial codes, 68 concepts, and 22 categories were identified. Among the obtained categories, "constant energy flow" was introduced as a core category. "motivating factors", "Structural forces and capacities of the local community", "Transparency and accessibility of information", "Socio-psychological characteristics of key people", "Spatial-social proximity" and "Determination of managers" "Were identified as causal conditions. Strategies resulting from a core category in the model include "negotiations and agreements", "multi-sectoral funding methods", "creating common interests" and "collective learning". On the one hand, in this model, the categories of "technical capacity, knowledge, and awareness of citizens", "capacity of local scientific societies", "capacities and physical assets of the neighborhood", "recognition of self-organized groups" and "independence of Self-organized groups" is introduced as the context conditions. On the other hand, "institutional rules and forces" are the intervening conditions in the mentioned model.
Conclusion: The flow of communication, interactions, and exchange of ideas, experiences, and information among the various actors of urban self-organization processes, including citizens, key individuals, and Responsible official bodies, form the basis of urban self-organization processes. Therefore, efforts to establish and increase this flow can provide the necessary conditions for forming urban self-organization processes. According to the research findings, structural and legal reforms in urban management processes are inevitable to achieve real and self-organized participation. Changes to multi-level management systems, the development of flexible rules that are adaptable to local conditions, and the elimination of cumbersome administrative procedures are among the most essential measures that should be considered in this regard. Finally, the proposed model promotes functional, semantic, and environmental dimensions and brings "economic achievements" and "social and behavior-oriented interventions".
Keywords: Urban Self-Organization, Sabzevar City, Participation, Multi Grounded Theory

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-19]
[DOR: 20.1001.1.23225602.1400.10.37.5.2]
[DOI: 10.52547/hafthesar.10.37.5]